

کرده‌اند، معاون مدرسه بعد از دیدن این کاغذ و نوشته روی آن، برخورد‌های کلامی تندی با دانش‌آموزان کلاس ازجمله‌سام داشته‌است. حالا وکیل پرونده سام زارعی (اسامی اشخاصی که در این گزارش با آنها گفت‌وگو‌شده به خواست خودشان، درج نشده و فایل صوتی گفت‌وگوها در اختیار روزنامه قرار داد) به «هم‌میهن» می‌گوید که تصاویر دوربین‌های مداربسته مدرسه در روز ۱۲ مهرماه، صحت این گفته‌ها، یعنی برخورد تند معاون با سام و اضطراب شدید او را به‌دلیل این برخورد‌ها نشان می‌دهد. او توضیح می‌دهد هنوز مشخص نیست که دستخط روی برگه متعلق به سام است یا خیر؟ «مدیر و ناظم بعد از مشاهده این برگه به کلاس می‌آیند و به دانش‌آموزان فحاشی می‌کنند. ما مدارکی داریم که طبق آن، خانواده‌ها تأکید می‌کنند آنها الفاظ رکیکی را خطاب به دانش‌آموزان به کار برده‌اند. مدیر و ناظم کیف بچه‌ها را باز می‌کنند، دفترهای آنها را بیرون می‌آورند و طبق آنچه خودشان ادعا می‌کنند، می‌گویند آن نوشته متعلق به سام است، باین‌حال این موضوع نیز در دست بررسی است؛ چون والدین او می‌گویند خط سام ریزتر از دستخط موجود است.»

او می‌گوید طبق بازبینی دوربین‌های مدرسه، مدیر و معاون، سام را از کلاس بیرون می‌کشند و سام حدود ۹۰ دقیقه، یعنی یک‌ساعت‌ونیم قبل از تمام‌شدن ساعت مدرسه، بیرون کلاس و در دفتر مدیر بوده است: «مدرسه ابتدا از دراختیار گذاشتن فیلم‌ها خودداری می‌کرد اما ما با نامه دادگستری آن را تحویل گرفتیم. تصاویر دوربین‌های مدرسه نشان می‌دهد که سام در این مدت مضطرب است، سدام راه می‌رود، خودش را تکان می‌دهد و اضطراب و ترسی واضح دارد. در قسمتی از فیلم، سام با ناظم مدرسه یعنی آقای «خ» صحبت می‌کند و این آقا دوباره سرکلاس می‌رود و دو نفر دیگر از شادگران کلاس را بیرون می‌آورد و به تهدیدهایش ادامه می‌دهد. در این تصاویر دیده می‌شود که سام دست‌هایش با حالت التماس، بازوی ناظم را می‌گیرد. حتی در همان ساعت که زنگ تفریح است، معلم خاطلی یعنی خانم «م» هم به دفتر مدرسه می‌آید و به ناظم تأکید می‌کند که با دانش‌آموز برخورد کند. هرچه سام التماس می‌کند، از او پذیرفته نمی‌شود. در این مدت تهدیدات کلامی ناظم ادامه داشته و او را سرکلاس‌های دیگر می‌چرخاند. این ناظم برای توضیح این اتفاقات به دادگاه هم فراخوانده شده است.» این وکیل دادگستری توضیح می‌دهد که دوربین‌ها نشان می‌دهند، ساعت ۱۲:۵۰ دقیقه فشار روانی روی سام خیلی بیشتر می‌شود و دو، سه نفر دیگر از دانش‌آموزان را هم از کلاس بیرون می‌کشند و دوباره به کلاس بر می‌گردانند: «دوربین‌ها نشان می‌دهند، ساعت ۱۳:۳۰ دقیقه مدرسه تعطیل می‌شود و دانش‌آموزان در حال ترک مدرسه هستند. در این ساعت سام هنوز جلوی دفتر مدرسه است و با اضطراب راه می‌رود، اما به او نمی‌گویند که می‌توانی بروی. یکی از دوستانش، کیفاش را برایش می‌آورد. درنهایت ساعت ۱۳:۳۰ دقیقه به سام اجازه می‌دهند که از مدرسه برود.»

طبق گفته وکیل این پرونده، وقتی سام به خانه می‌رسد، مادرش متوجه اضطراب و ترس او می‌شود، اما سام توضیحی درباره ماجرا نمی‌دهد: «در زمان صرف ناهار هم این اضطراب ادامه داشته اما سام دلیل آن را نمی‌گفته است. ساعت ۲۸:۱۶ دقیقه عصر همان روز، آقای «خ» -ناظم مدرسه- با پدر سام تماس می‌گیرد، اما او جواب نمی‌دهد. او دوباره تماس می‌گیرد و از پدر می‌پرسد که آیا سام به خانه برگشته است؟ پدرش می‌گوید، چه اتفاقی رخ داده که نباید به خانه بر می‌گشت؟ آقای «خ» می‌گوید دلیل خاصی ندارد و تماس تمام می‌شود. حدود پنج دقیقه بعد، پدر سام با ناظم مدرسه تماس می‌گیرد و از او دوباره می‌پرسد چه اتفاقی رخ داده که سام ممکن بود به خانه نیاید؟ آقای «خ» می‌گوید سام یک مورد انضباطی داشته و از فردا حق ندارد به مدرسه برگردد و فقط خودتان باید به مدرسه مراجعه کنید. پدر سام به‌دلیل نگرانی، دوباره در ساعت ۴۹:۱۶ دقیقه با ناظم مدرسه تماس می‌گیرد تا توضیحی دریافت کند اما ناظم مدرسه توضیحات بیشتر را به روز بعد موکول می‌کند. این مکالمه در سالن خانه انجام شده و فکر نمی‌کردند که سام بیدار باشد و متوجه تماس ناظم با پدرش می‌شود.» سام در جریان این مکالمه به پشت پنجره اتاق مشترک خود و خواهر کوچکترش می‌رود و از بالا به پایین نگاه می‌کند؛ این روایتی است که خواهر کوچک‌اش تعریف کرده است. وکیل پرونده می‌گوید سام با نگاه کردن از پنجره، می‌بیند چیزی شبیه سقف انبار پایین آن وجود دارد و ارتفاع زیادی ندارد: «بعد از اینکه تماس تلفنی ناظم و پدر سام تمام می‌شود، صدای وحشتناکی شنیده می‌شود، خانواده اول فکر می‌کند که آسانسور سقوط کرده است اما بعد پدر سام به‌سمت اتاق‌ها، سرویس بهداشتی و بخش‌های دیگر خانه می‌دود و سام را صدا می‌زند اما خبری از او نمی‌شود و متوجه می‌شود که سام خودش را به پایین پرت کرده و خون همه‌جا را گرفته است. درنهایت به‌دلیل خونریزی شدید مغزی، سام جان خود را از دست می‌دهد و قرنیه چشم او هم اهدا می‌شود. فاصله تماس تلفنی پدر و ناظم مدرسه با فوت سام، ۱۲ دقیقه است. چون تماس تلفنی ناظم و پدر سام هم ۴۹:۱۶ دقیقه تمام می‌شود و همسایه‌ها ساعت ۰۳:۱۷ دقیقه با اورژانس تماس می‌گیرند.»

خانم «الف»، مادر یکی از دوستان سام (به درخواست خانواده، نام کودک محفوظ است)

به «هم‌میهن» می‌گوید که در این اتفاق سه‌نفر از ناظم مدرسه بیرون برده می‌شوند و ناظم خطاب به آنها از الفاظ نادرستی استفاده می‌کند. او می‌گوید، فرزندش هم شاهد این خشونت کلامی بوده و ناظم به دانش‌آموزان و کسانی که از کلاس بیرون آورده شدند، گفته بود که اگر جرأت دارید این موضوع را به خانواده‌هایتان بگویید

وکیل پرونده سام توضیح می‌دهد که تماس در ساعت غیر مدرسه و ایجاد رعب و وحشت با خانواده کودکی که در منزل حضور دارد، جرم محسوب می‌شود: «چرا این تماس در ساعت کاری مدرسه انجام نشده است؟ ما پرینت تماس‌های آقای زارعی -پدر سام- را گرفته‌ایم و می‌دانیم که هیچ تماسی با او در ساعت مدرسه صورت نگرفته است. علاوه بر این، آموزش‌وپرورش می‌گوید چون این اتفاق در خانه رخ داده، ارتباطی با آنها ندارد. یک کودک ۱۲ ساله تصویری از خودکشی ندارد؛ غیر از اینکه با ترس و وحشتی روبه‌رو شده باشد. درحال حاضر این پرونده در مرحله بازپرسی است. این شکایت هم از آموزش‌وپرورش ناحیه یک، مدیر، ناظم و معلم نقاشی صورت گرفته است. خانواده سام دلیل خود را از پیگیری این پرونده، حفظ جان ۶۰۰ دانش‌آموز دیگر اعلام کرده‌اند. ما مدارکی داریم که طبق آن، خانواده‌ها از تهدیدات کلامی ناظم و مدیر مدرسه گفته‌اند. خانواده‌ها گفته‌اند که علاوه بر ناظم مدرسه که از این مدرسه رفته است، مدیر آن هم باید برود؛ چون بچه‌ها از او هم می‌ترسند.»

او تأکید می‌کند که فوت دانش‌آموز ۱۲ ساله، یک تراژدی عمیق و تکان‌دهنده و تحلیل آن نیازمند توجه به چند لایه مختلف است و به‌نظر می‌رسد این حادثه نتیجه زنجیره‌ای از شکست‌ها و عوامل است؛ نه یک علت واحد. از نگاه این وکیل دادگستری، سیستم آموزشی ناکارآمد و تنبیه‌محور، فقدان رویکرد تربیتی و روانشناختی، واکنش کاملاً مکانیکی، امنیتی و تنبیهی معلم و معاون مدرسه به‌جای بررسی ریشه‌های رفتار یعنی شوخی بین دانش‌آموزان، دعوا یا حتی یک از‌مون اشتباه و تلاش برای سرعت در پیدا کردن مقصر و مجازات از عوامل کلیدی دخیل در این ماجراست. علاوه بر این هیچ‌کدام از مسئولان مدرسه برای صحبت با سام به‌عنوان یک کودک ۱۲ ساله با دنیایی از احساسات شکننده، تلاشی نکردند تا از دلیل آن کار ببرند یا توضیح دهند که اشتباه و قابل جبران بوده است. او می‌گوید که اخراج فوری و قطعی از مدرسه، خشن‌ترین و بی‌فایده‌ترین شکل برخورد با یک تخلف دانش‌آموزی است و این عمل پیام طردشدگی را به کودک منتقل می‌کند.

تهدید به سکوت

خانم «الف»، مادر یکی از دوستان سام (به درخواست خانواده، نام کودک محفوظ است) به «هم‌میهن» می‌گوید که در این اتفاق سه‌نفر از دانش‌آموزان، توسط ناظم مدرسه بیرون برده می‌شوند و ناظم خطاب به آنها از الفاظ نادرستی استفاده می‌کند. او می‌گوید، فرزندش هم شاهد این خشونت کلامی بوده و ناظم به دانش‌آموزان و کسانی که از کلاس بیرون آورده شدند، گفته بود که اگر جرأت دارید این موضوع را به خانواده‌هایتان بگویید: «پسر من به‌شدت ترسیده بود و از ترس، دندان‌هایش به‌هم‌می‌خورد. همان زمان که می‌خواستند دستخط را تطبیق دهند، دفترهای مشق دانش‌آموزان را روی میز می‌گذاشتند و ناظم دفتر هرکسی را که دستخط خوبی نداشته، به سمت‌اش پرت می‌کرد. بعد با الفاظ بسیار تند به آنها گفته است، اگر جرأت دارید به خانواده‌هایتان بگویید که چه اتفاقی افتاده است؟»

او می‌گوید باتوجه به اینکه تیم مدیریت این مجتمع آموزشی امسال تغییر کرده است، ناظم مدرسه در زمان معرفی خودش به خانواده‌ها گفته بود که سیستم ما براساس تحقیر است و دانش‌آموزانی را که تخلفی داشته باشند، وارد «ویترین» می‌کنیم که درسی برای دیگران باشند: «وقتی معلم آن نامه را در کلاس می‌بیند، بر سر دانش‌آموزان فریاد می‌زند و با حالتی عصبانی کلاس را ترک می‌کند، نامه را به ناظم مدرسه می‌دهد و از مجتمع آموزشی خارج می‌شود. بعد از آن ناظم وارد کلاس می‌شود، دستخط بچه‌ها را چک می‌کند، آنها را از کلاس بیرون می‌کشد و مثل بازجو‌ها با آنها صحبت می‌کند و از الفاظ نادرستی استفاده می‌کند. پسر من تا روز فوت سام از ترس هیچ چیزی به من نگفته بود و وقتی این خبر را شنید، این اتفاقات را تعریف کرد.» خانم «الف» شنیده است که ناظم مدرسه اخراج شده و معلم نقاشی دانش‌آموزان هم تغییر کرده است: «گویا سیستم مدیر مدرسه هم برهمین‌اساس تحقیر و توهین بوده است. پسر من تعریف می‌کرد که بعد از این اتفاق، ناظم و مدیر مدرسه به دانش‌آموزان گفته‌اند که مقصر این حادثه، خانواده سام است و پدرش او را ترسانده؛ یعنی پسر من هنوز فکر می‌کند که پدر سام با کمربند او را دنبال کرده و سام هم ترسیده، از بله‌ها افتاده و فوت کرده است.»

بعد از این اتفاق تمام برنامه‌های دانش‌آموزان کلاس ششم و جلسات اولیاء و مربیان لغو شده و توضیحی به خانواده‌ها درباره این موضوع داده نشده است. مادر یکی دیگر از دانش‌آموزان این مدرسه (نام او نیز نزد روزنامه محفوظ است)، تعریف می‌کند که کادر مدرسه بدون هیچ دلیلی تغییر کرد و گروهی که تازه آمده‌اند از روز اول بنا را بر خشونت و بدرفتاری با بچه‌ها گذاشت: «مدیر مدرسه در وبیناری که برای خانواده‌ها برگزار کرده، همان روز اول گفته بود، هرکس خط قرمزهای من مثل تنک‌کاری و رفتارهای دیگر را رد کند، باید فرزندش را شهیدشده حساب کند. چندبار برای ما جلسه گذاشتند و لحن مدیر و ناظم هم به‌همین شکل بود. من هم در همین جلسه به آنها گفتم که این دانش‌آموزان، نسلی نیستند که با خشونت بتوانید با آنها برخورد کنید. رفتار شما با آنها طوری است که از مدرسه زده شده‌اند. روز اول مدرسه پسرم تعریف می‌کرد که مدیر خودش را سر کلاس‌ها معرفی کرده و گفته منن را دکتر صدا بزنید، شیوه من تحقیر است و اگر از خط قرمزهای من عبور کنید، طوری شما را تحقیر می‌کنم که نتوانید سرتان را جلوی دوستان تان بلند کنید. یکی دیگر از والدین روز ثبت‌نام از ناظم مدرسه شنیده بود که اگر دانش‌آموزی ناسزا بگوید، طوری با او رفتار می‌کنم که خودش را از پنجره پرت کند پایین. شایع‌ناظم برخورد فیزیکی با سام انجام نداده، اما از نظر کلامی، روح و روان او را آزار داده است. مدرسه باید برای چنین شرایطی مشاور داشته باشد، اما هیچ مشاوره‌ی نداشت، درحالی‌که هزینه آن را از ما دریافت کرده بودند. ظهر همان روزی که این اتفاق افتاد، خانمی را به‌عنوان مشاور معرفی کردند، اما پیگیری‌های مادران دانش‌آموزان مشخص کرد که این زن مشاور مدرسه است. مدیر مدرسه همه کادر قبلی را اخراج کرد و نیروهای خودش را آورد.»

خبرسازان



پیگیری بازنشستگی زود هنگام کارکنان اورژانس

جعفر مبعادفر، رئیس سازمان اورژانس کشور اعلام کرد، در تلاشند که درجه‌سختی کار کارکنان این سازمان از یک درجه به سه درجه افزایش پیدا کند تا این افراد بعد از ۲۵ سال فعالیت، بازنشسته شوند. جعفر مبعادفر در گفت‌وگو با ایسنا با بیان اینکه مبحث «سختی کار» در حوزه اورژانس دو بخش دارد، گفت: «بخش اول امتیاز تمام‌ضرب‌های حقوقی ومبلغ‌بازنشستگی نیزتاثیرگذار خواهد بود. مبعادفر در ادامه گفت: «بخش دوم «سختی کار»، درجه‌سختی کار است که با هر سال خدمت کردن، مقداری از سنوات فرد کم می‌شود. درحال حاضر نیروهای اورژانس در جهیک هستند. یعنی یایک‌سال کار کردن، یکماه از سنوات آنها کمتر می‌شود.»



وام برای دانشجویان متاهل

مسعود حبیبی، معاون دانشجویی و فرهنگی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی اعلام کرد، به دانشجویان متاهل وام ودیعه مسکن پرداخت می‌کنند که سقف این وام در تهران ۲۰۰ میلیون تومان است. به گزارش خبرآنلاین، حبیبی با بیان اینکه دانشگاه علوم پزشکی تهران هزار تخت خوابگاهی اجاره کرده است، گفت: «در حال حاضر برای خوابگاه متاهلین حداقل ۱۰۰ نفر در نوبت هستند.» به گفته او در حال حاضر آنها با افزایش ۱۰۰ درصدی ظرفیت مواجهند اما نمی‌توان اجرای برنامه‌امتوقف کرد، حتی اگر پیش‌بینی خوابگاه نشده باشد. حبیبی در پایان گفت: «وقتی ظرفیت بالا می‌رود، منابع به‌باید افزایش یابد و خوابگاه از نخستین نیازهاست. همچنین ما در تأمین کلاس درس هم مشکل داریم. به والدین دانشجویان اعلام می‌کنیم که ما هیچ کوتاهی نخواهیم کرد و حتی نخواهیم گذاشت کیفیت آموزش پزشکی آسیب‌ببیند.»

ادامه سر مقاله

اگر چنین پشتیبانی را همراه با عقلانیت، علیه فساد و فقر و تورم ورشود و جرم و جنایت به‌کار برده بودند؛ امروز سایه شوم همه این آسیب‌ها از سر مردم ایران رخت بر بسته بود. اگر آنان حتی یک نگاه سرسری و کوچک به دستاوردهای گذشته خود در پوشش زنان بیاندازند، متوجه این نتیجه‌روشن می‌شوند که از اول در بیراهه‌گام زده‌اند. لجاجت سیاسی هیچ دردی را در هیچ حوزه‌سیاستی در مان نمی‌کند؛ سهل است که‌به نتیجه عکس منجر می‌شود. انکار کردن طبیعی بودن تغییر و به رسمیت نشناختن آن موجب مقاومت در برابر تغییر و تحول می‌شود. این امر به تقابل یا خواست عمومی می‌انجامد. سرنوشت ایستادگی در برابر خواست عمومی شکست و تسلیم است. سیاست تندروها در چند کلمه خلاصه می‌شود. مقاومت در برابر تحول، تقابل با عاملان و مدافعان تحول، شکست و بالاخره انکار شکست و پرهیز از تسلیم تا رسیدن به اضمحلال. ریشه این بحران نیز از یک‌سو، در «به رسمیت نشناختن» مردم و حق عمومی آنان است و از سوی دیگر، ادعای گراف برای خود که در انقلاب و حکومت حق نسق قائل است و این را تحت پوشش و رسالت خودخوانده هدایت مردم از سوی تندروها مطرح می‌کنند. درحالی‌که خودشان بیش از همه نیازمند هدایت هستند. تردیدی نداریم که همه این ادعاها را برای پوشش دادن به انگیزه اصلی خود مطرح می‌کنند که این انگیزه همان حفظ منافع و انحصار در قدرت است. دنبال منافع و این دستمال کم‌ارزش از قدرت بودن قابل فهم است؛ ولی نه به قیمت آتش زدن قیصر به‌بزرگ مردم ایران.